

نگاهی انتقادی به رجال‌شناسی شیعه علی دوانی

(نقد کتاب مفاخر اسلام)

دکتر فاطمه جان احمدی*

چکیده

کتاب *مفاخر اسلام*، از معدود آثار رجالی شیعه است که به همت والای محقق فقید، حجت‌الاسلام علی دوانی به رشته تحریر درآمد. این اثر، دائره‌المعارفی جامع، آینه تمام‌نمای آموزه‌های قرآنی و تحصیلات حوزوی و علاقه‌مندی نویسنده به حوزه رجال‌شناسی شیعه است. اهمیت این اثر در معرفی رجال مشهور شیعه و انتقال مفاهیم و معارف اسلامی، موجب شد تا در این مقاله صرف‌نظر از بررسی بیرونی مجموعه ده جلدی کتاب با نگاهی انتقادی و تحلیلی به نقد درونی و محتوایی اثر نایل آییم.

مقدمه

نام نیکِ حجت‌الاسلام علی دوانی پژوهش‌گر برجسته عرصه تاریخ‌نویسی در میان محققان معاصر همواره ماندگار است. پی‌آمد تلاش بی‌وقفه و جهد ستوده وی در مسیر انتقال و نشر معارف اسلامی، بالغ بر ۱۱۰ عنوان اثر تحقیقی ارزشمند اعم از تألیف و ترجمه برجای گذاشت. حیات پربار و خدمات شایان توجه وی

* عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه الزهرا- تهران.

در قالب بیان و قلم که در خدمت‌رسانی به انقلاب اسلامی و خط امام خمینی رحمه الله همیشه کوشا و مفید بوده است، بر هیچ محقق معاصری پوشیده نیست. مطالعات اسلامی، کسب معارف حوزوی، درک مجالس علمی فضلا و تلمذ در محضر استادان عالی‌رتبه قم و نجف اشرف، در شخصیت‌پردازی علمی و حیات محققانه وی بسیار مؤثر بود و همین امر، موجب شد تا آثار وی در فقه، تراجم‌نگاری و تاریخ اسلام معاصر، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار باشد. انعکاس آموزه‌های قرآنی، آشنایی با معارف اسلامی، درک صحیح آرمان‌های انقلاب اسلامی و پای‌بندی به اصول و آداب اصیل روحانیت شیعه، نگارش و تألیف آثاری بی‌شماری را به دنبال داشت که در نوع خود ممتاز و برجسته‌اند.

بی‌تردید تکاپوی علمی وی در همین بسنده نیست، بلکه تجلی دانش وسیع و نگاه نواندیشانه او در نگارش تراجم و رجال شیعی، چون کتاب *شرح رجال دانشمندان شیعه* و یا *مفاخر اسلام* به درستی منعکس است. بر این اساس، مقاله حاضر، به تبیین بینش متفاوت وی با معاصرانش در تدوین آثار رجالی و یا شرح حال‌نگاری و تراجم احوال‌نویسی می‌پردازد و درک این تفاوت، بی‌مدد مطالعه انتقادی مقدور نیست.

بررسی و نقد کتاب *مفاخر اسلام*

کتاب *مفاخر اسلام* با روی‌کردی تفضیلی و پژوهشی، مجموعه‌ای چند جلدی است که شرح احوال رجال شیعه و بسیاری از محدثان و مشایخ شیعه را شامل می‌شود. نخستین کتاب با شرح حال حسین بن سعید اهوازی (متوفی ۲۵۰ هجری) آغاز می‌شود و آخرین مجلد آن با علی بن بابویه قمی (متوفی ۳۲۸ هجری) به پایان می‌رسد. نویسنده در این مجموعه چند جلدی، با پای‌بندی به شیوه گزارش‌نویسی تاریخی و با روی‌کرد تحلیلی - توصیفی، با روشی گزینشی، قصد ایضاح سیمای علمی تنها برخی از نام‌وران و مفاخر اسلام را داشته است. چنان‌که خویش نیز در عبارتی روشن یادآور می‌شود:

مطالعه و بررسی ممتد و طولانی در زندگی درخشان رهبران راستین اسلام و شاگردان صمیمی آنان و طبقه بعد از آنها، یعنی علمای بزرگوار و پرچم‌داران پاک‌دل اسلام و قرآن علت اساسی افاضه به این فیض بوده است.^۱ در ابتدا، انتظار می‌رود نویسنده به همه‌ی سرآمدان تاریخ اسلام بپردازد، اما در سطور بعدی، دغدغه مهم نویسنده و اهداف او در بازشناسی رجال حدیث و علما و دانش‌مندان شیعه، مشخص شده و در مقدمه کتاب، انگیزه و هدف و حتی دلیل گزینش نویسنده در طرح شخصیت‌های شاخص شیعه آمده است. وی در تشریح اهداف خود یادآور می‌شود:

۱. شناسایی جمعی از خادمان راستین اسلام و شیعه و شاگردان نام‌دار و فقها و محدثین عالی قدر ائمه معصومین علیهم‌السلام؛
۲. شناخت کامل کسانی که گفتار و کردار پیامبر و جانشینان معصوم او را به ما رسانده‌اند.^۲

وی در تبیین این دو هدف با روی‌کردی کارکردگرایانه ادعا می‌کند:

ما مسلمانان، اسامی بسیاری از رجال حدیث و علما و دانش‌مندان شیعه را شنیده‌ایم یا در کتاب‌ها خوانده‌ایم، ولی درست نمی‌دانیم آنها کیستند و در چه زمانی می‌زیسته‌اند و چه کرده‌اند؛ در علم و نفوذ و فضیلت و عدالت و وثاقت چه جایگاهی داشته‌اند.^۳

مرحوم دوانی با اشراف تمام بر وسعت کار و حوزه گسترده تاریخی مورد مطالعه، می‌کوشد تا روش گزینشی خود را این چنین تشریح نماید:

... نویسنده خواسته است نه از آغاز کار و عصر پیغمبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام (که کاری بس دشوار و طولانی خواهد بود و نفع چندانی هم برای عموم نخواهد داشت)، بلکه از اواسط سده سوم هجری که غیبت آخرین پیشوای معصوم ما حضرت امام زمان علیه‌السلام فرا می‌رسد، به شناساندن جمعی از این خادمان راستین اسلام و شیعه و شاگردان نام‌دار فقها و محدثین عالی قدر ائمه معصومین علیهم‌السلام اقدام نماید.

۱. *مفاخر اسلام*، ج ۴، ص ۵، مقدمه.

۲. همان، ج ۱، ص ۶، پیش‌گفتار.

۳. همان.

وی با همین هدف، دو جلد نخست *مفاخر اسلام* را به رجال حدیث و فقها و محدثان شیعه از حدود بیست سال پیش از غیبت امام زمان (عج) تا سال ۳۲۹ قمری اختصاص می‌دهد^۱ و در مجلدات دیگر، به تکاپوی علمی و شرح احوال دانش‌مندان نام‌ور شیعی در ادوار بعدی تاریخ اسلام می‌پردازد که هریک در عرصه‌های مختلف علم حدیث، رجال، درایه، تفسیر، اخلاق، فلسفه، کلام، شعر، لغت و ادب صاحب نام بوده‌اند. آنچه در این بخش، نگاه هدف‌دار محقق در بازشناسی نخبگان، بزرگان و محدثان شیعه و چگونگی دوام حرکت تشیع امامیه پس از غیبت کبرا جالب توجه است.

ویژگی‌های برجسته کتاب *مفاخر اسلام*

ویژگی‌های برجسته کتاب عبارتند از:

۱. روی‌کرد علمی به ثبت تاریخ مشاهیر شیعه و احیای نام و آثار علمی گم‌نامان: یکی از مهم‌ترین امتیازات *مفاخر اسلام* است.
۲. قلم ساده: روان و بی‌تکلف استاد که مؤید پای‌بندی وی به اصول ساده‌نویسی و پرهیز از اطناب و لفظ‌پردازی‌های معمول است. این امتیاز، از جاذبه‌های متنی این اثر محسوب می‌شود. ره‌آورد این ملاحظه، اختصاص مخاطبان بسیار از همه سطوح علمی است. بدین ترتیب خواننده و نویسنده، در ره‌گذر ساده‌نویسی و روان‌خوانی که هر دو زمینه خوب فهمیدن و ایجاد ارتباط و برقراری انس و الفت با متن است، به هدفی بزرگ چون درک معانی و انتقال معرفت، دست خواهند یافت.
۳. استفاده از منابع شیعی معتبر: بهره‌نگرفتن از فنون و روشی که البته مختص عصر و فضای علمی نویسنده (دهه ۶۰ شمسی) نبوده و همین امر مشکلات عدیده‌ای را در زمینه ارجاعات کتاب به‌وجود آورده است، اما به‌طور کلی تنوع منابع و توجه نویسنده در گزینش منابع دست‌اول، از امتیازات کتاب به‌شمار می‌آید.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲.

۴. روال‌مندی تاریخی و نگاه کرنولوژیک شخصیت‌ها: نویسندگان در نهایت دقت، همه تلاش خود را به کار بسته تا روال‌مندی تاریخی را در آوردن مطالب حفظ نمایند. دقت نظر نویسندگان در تاریخ‌های ارائه شده و مستند کردن برخی از آنها نیز بر مزایای کتاب افزوده است.

۵. ترجیح منابع بر مطالعات تاریخی: فهرست منابع کتاب، مؤید این مدعاست. استفاده مکرر نویسندگان از کتب شیعه و گاه مقابله و مقایسه آنها، در تمامی مجلدات کتاب، دیده می‌شود. فهرست آثار نویسندگانی چون علامه حلی، شیخ توسی، شیخ صدوق، شیخ کلینی، علامه محقق و علامه امینی از التزام نویسندگان به ترجیح کتب شیعه حکایت می‌کند.

۶. رویکرد تحلیلی توصیفی نویسندگان در پردازش و بازشناسی حیات و سیره‌ی رفتاری شخصیت‌های شیعی: این امر موجب شده تا نویسندگان، تنها راوی و یا گردآورنده اطلاعات صرف نباشد، بلکه اخبار تاریخی توأم با تحلیل‌های علمی را یک‌جا گرد آورد. وی در گردآوری مطالب، از همه منابع موجود بهره جسته و اقوال مختلف را به گونه‌ای روال‌مند در کنار یک‌دیگر چینش کرده است. نوع نگاه ملتزم نویسندگان به تاریخ شیعه بسیار اهمیت دارد. وی در برخی موارد، با التزام به آموزه‌های شیعی، قضاوت‌هایی درمورد افراد داشته و ارزش و مقام علمی ایشان را در بوته تحقیق نهاده است.

۷. توجه به جغرافیای تاریخی و یا تاریخ مذهبی مناطق شیعه: وی در این زمینه، اشارات مهم و شایسته‌ای دارد. برای نمونه، در ذیل شرح احمد بن محمد بن عیسی، به تأسیس شهر قم به روایت تاریخ قم می‌پردازد^۱ و از گسترش تشیع در این شهر، اطلاعات شایانی می‌دهد.

۸. جمع‌آوری آرای موافق و یا مخالف تاریخ‌نگاران و اظهارنظر و تحلیل‌های نویسندگان: مرحوم دوانی از درج اطلاعات بدون کمترین اظهارنظری پرهیز کرده و تمامی هم خود را بر این موضوع گذاشته تا در کنار جمع‌آوری اطلاعات، آنها را نقادی و یا تحلیل نماید.

۱. مفاخر اسلام، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳.

۹. درج اسامی صعب و مهجور همراه با اعراب: این کار برای درست خواندن اسامی علم صورت گرفته است. بی شک نویسنده به گونه‌ای هدفدار خواننده را در تلفظ و قرائت کلمات دشوار و یا نام‌های خاص رها نکرده، بلکه با اعراب‌گذاری کلمات، به درست خواندن کمک می‌کند.^۱

۱۰. درج نام کتب رجالی و فهرست کردن آثار نوابغ و فرهیختگان شیعه: وی با نکته‌سنجی و ریزبینی تاریخی، اسامی کتب منسوب به شیعیان را جمع‌آوری نموده و به فراخور مطالب، آنها را درج کرده است.

۱۱. نگاه فرهنگی و توجه تمدنی در تدوین کتاب: وی در همه مجلدات، به خدمات برجسته و یا تأثیر فرهنگی آثار قلمی شیعه اشاره می‌کند و در حد کمال، در ذیل مطالب تاریخی، به خدمات نوابغ و فرهیختگان عرصه علم می‌پردازد.

۱۲. بهره جستن از کتب تفسیری و آیات قرآنی: از آن‌جا که ظرفیت علمی کتاب به نخبگان شیعی اختصاص دارد، نویسنده به گونه‌ای محدود، از کتب تفسیری، آیات قرآنی و در اندک مواردی از روایات، بهره جسته است.

۱۳. جالب توجه بودن فهرست منابع و مأخذ

۱۴. اطلاعات تاریخی برخی اماکن مذهبی: این ویژگی، از جاذبه‌های دیگر کتاب است. برای نمونه، اطلاعاتی که در خصوص مراکزی چون حلب، کانون شیعیان شام و یا مشهد علی بن ابی طالب و یا مقام ابراهیم خلیل و حتی مشاهد و مراقب تاریخی با استناد به منابع ارایه می‌دهد، بسیار اهمیت دارد.

طرح معایب کتاب

از نگاه نقد، کتاب دارای معایبی است؛ از جمله:

۱. نام کتاب: این نام‌گذاری، از نکات جالب توجه و درخور تأمل است که در بدو امر، نامی کلی را به ذهن متبادر می‌کند. علی‌رغم نام کتاب که بسیار پرمسماست و بر تمام مفاخر رجالی اسلامی دلالت دارد، با ورود به مباحث آن

۱. همان، ج ۳، ص ۴۶، ۲۲۳ و ۴۸۱.

به‌ویژه در مقدمه، نویسنده موضع شیعی خود را مشخص و در عبارتی روشن، روی‌کرد شیعی خود را بیان می‌کند. بنابراین، اگر نویسنده نام خاصی چون "مفاخر شیعی" را بر می‌گزید، مناسب‌تر می‌نمود تا نام عامی که همه مفاخر اسلام را دربرگیرد.

۲. ارجاعات کتاب کافی و علمی نیست: علی‌رغم استفاده نویسنده از متون و منابع تاریخی، متأسفانه ارجاعات کتاب، کافی و علمی نیست و با استانداردهای روشی در علوم انسانی مطابقت ندارد. مشخص نکردن نسخ‌های مورد استفاده خواننده‌گان را در تطبیق اسناد دچار مشکل می‌کند. از این رو، که ویرایش و یا تعلیق، تحشیه و تصحیح این اثر، بسیار به‌جا و مهم می‌نماید.

۳. اشاره نویسنده به منابع متعدد بدون استناد به نقل قول‌های خود: نویسنده در کتاب، به منابع متعددی اشاره می‌کند و از آنها نام می‌برد، حال آن‌که شایسته است ضمن ارجاع بدان‌ها، نقل قول‌های خود را نیز مشخص و مستند می‌کرد.

۴. وجود صفحات بی‌ارجاع: صفحات بی‌ارجاع در این کتاب کم نیست. ادعاهای بی‌سند می‌تواند به راحتی در بوته نقد قرار گیرد.

۵. کامل نبودن مآخذ نگارش کتاب: مآخذ نگارش کتاب که فهرستشان در انتهای هر مجلد آمده، کامل نیست و نمی‌تواند اطلاعاتی بیش از نام یک کتاب و نویسنده آن را در اختیار خواننده بگذارد. وجود اختلاف در چاپ و نسخه‌های متعدد، نویسنده را ملزم خواهد نمود تا نسخه مورد استفاده خود را به‌درستی معلوم کند.

۶. تحلیل‌های یک‌سویه نویسنده: این تحلیل‌ها، از ضعف‌های عمده کتاب است. التزام مکتبی نویسنده به تشیع، موجب شده تا تحلیل‌های وی عمدتاً روی‌کردی یک‌سویه داشته باشد.

۷. نبود تناسب اختصارگویی و مطول‌نویسی: در مواردی چند اختصارگویی و مطول‌نویسی در این اثر تناسبی با یک‌دیگر ندارد.

۸. ضعف عمده مباحث تاریخی کتاب: مباحث تاریخی کتاب، هم به لحاظ روشی و هم به جهت مستندسازی، ضعف عمده‌ای دارد. برای نمونه، اظهارات

نویسنده درباره دولت سربداران که مدت‌ها خطه خراسان را از خود متأثر نموده و در منابعی چون *مجمعل فصیحی*، *روضه الصفا*، *مطلع السعدین* و *مجمع البحرین*، *حبیب السیر* و *تذکره الشعراء*، به تفصیل بدانها پرداخته شده، بسیار کوتاه و ارجاع به منابع بدان پرداخته است.^۱

۱. *مفاخر اسلام*، ج ۴، ص ۳۴۳-۳۴۴.